

متن پرسش

با سلام: استاد موضوعی رو بین جوانان پسر(اعم از خودم) می بینم و خواستم با شما در ارتباط بگذارم. این موضوع عبارت است از نیاز عاطفی! پسرها وقتی به ۱۹_۲۰ سال می رسند این حس را از اعماق وجود درک می کنند که آقا من الان به یک همدم، همراز و به یک معدن محبت و عاطفه نیاز دارم. نیازی است خدادادی که مقدمه ازدواج هم هست. جامعه غیر اسلامی به گونه ای است که با طرح مسئله دوست دختر/دوست پسر این مشکل را تا حد زیادی حل کرده با توجه به اینکه حالا یکسری مشکلات پدید می آورد. اما این نیاز عاطفی واقعا زمین گیر کننده است. انگار با هیچ نماز و دعایی نباید برطرف شود و درستش هم این است و گرنه پیامبر و ائمه علیهم السلام نباید ازدواج می کردند؛ بالاخره ازدواج که فقط گسترش نسل نیست! عاطفه هست، عشق هست و... با توجه به وضع جامعه، تا ۲۴،۲۵ سالگی ازدواجی مقدور نیست؛ تعداد معدودی هستند که زیر این سن ازدواج می کنند. بنده اکثریت جامعه را در حداقل حالت در نظر گرفتم. یک پسر ۱۹_۲۰ ساله، ۴ الی ۵ سال در حسرت است. مخصوصا اگر مذهبی باشد که دیگر وضعیتش بدتر! چون پسر مذهبی رابطه چندانی با دخترها ندارد مگر در حد سلام علیک! و مشاهده اینکه دختر پسرها باهم اند و دل و قلوب می گیرند یکم قلب پسرهای مذهبی مثل خود بنده رو به درد میاره. بنده که پیامبر یا امام نیستم دانشگاه می روم، تا جایی که بتوانم نگاهم را کنترل می کنم ولی نیمچه نگاهی کافی است تا افکارم ویران شود. خلاصه که موضوع سختی شده و رفقای بنده نیز همین مشکل را دارند حالا افرادی که غیر مذهبی اند کارشان جور تر است ولی برای مذهبی ها هیچ پناهی نیست سر که بر بالین می گذارم می خواستم کسی بود که فقط با او انس می گرفتم و فقط او را می نگریدم (به دور از فضای نکبت بار صرفا جنسی!) ولی چه می شود کرد؟! دوستی و مکالمه غیر ضروری با نامحرم از بر حرام است و خب، باشد! به نظر اسلام احترام می گذاریم ولی باور کنید این احترام حقیقی نیست از روی اکراه است بگذارید توضیح بدهم: نمی شود به چهره نامحرم نگریدم، باشد بیشتر از ۵ کلمه ضروری مشکل ایجاد می کند، باشد هر کلمه شوخی با نامحرم معادل هزار سال جهنم، باشد اینها باعث می شود کلا از دید دختران، ما پسران مذهبی آدمهای منفوری باشیم با اینکه نهایت ادب و احترام را در حق آنها بجا می آوریم و هیچ بدخلقی ای نیست. حالا واقعا تکلیف چیست؟ من هر روز بعد از دانشگاه حساب می کنم که چند سال به جهنم هایم اضافه شده است. شاید فکر کنید شوخی می کنم ولی واقعا برایمان مهم است که چطور رفتار کنیم که نه سیخ بسوزد نه کباب. اگر منبعی هم برای مطالعه دارید خواهش مندم معرفی کنید. ممنون و سپاس باب وقتی که می گذارید. تشکر

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این که عده‌ای در به وجود آمدن شرایط پیش آمده که موجب سختی زندگی و سختی ازدواج جوانان شده، گنه کاراند حرفی نیست و مسلماً اینان از زندگی خود بهره‌ای نمی‌برند. ولی از طرف دیگر شما نیز مطمئن باشید اگر در مسیر رعایت دستورات الهی قرار بگیرید، گشایش لازم فراهم خواهد شد. قرآن به ما مسلمانان دستور داده است «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورد، اگر آن مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است.

آری! اگر ما در مقابل فاجعه‌ای بزرگ قرار گرفته‌ایم و حقیقتاً جوانان پاکدامن ما در زحمت هستند؛ در مقابل این فاجعه، خداوند مدد می‌کند تا روح‌های بزرگی به میان آید برای عافی بزرگ که آن، عافی آخرالزمانی است به همان معنایی که حضرت ربّ العالمین برای چنین جوانان پاکدامنی امید فضل واسعی را دادند و فرمودند: «يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». موفق باشید